



خشکسالی و کمبود علوفه؛

دامداران در بادغیس به فروش گوسفندان روی آورده‌اند



خشکسالی‌های پیهم و کمبود علوفه و دیگر خوراکی‌های حیوانی، نگهداری دام را برای دامداران در بیشتر ولایت‌های کشور به‌ویژه بادغیس، دشوارتر ساخته است. شماری از دامداران ناگزیر شده‌اند تعدادی از دام‌هایشان را برای نجات بقیه بفروشند. افزون بر این، کمبود علوفه هزینه‌های دامپروری را افزایش داده است. دامداران در بادغیس دامپروری در شرایط کنونی را مقرون به صرفه نمی‌دانند و ناگزیرند دام‌های خود را زود هنگام...

افزایش قتل و سرقت‌های مسلحانه در پروان؛

طالبان متهم‌اند

تعارف بلند در نبود برق؛

باشنده‌گان کابل برشنا را به اضافه‌ستانی متهم می‌کنند



Naseer Kawshger

افزایش خشونت علیه زنان در بامیان؛ دوزن با خوردن مرگ موش خودکشی کردند



در همین حال عبدالصبور فرزنان سیغنی، سخنگوی والی طالبان در بامیان، نیز می‌گوید: «یک دختر ۱۶ ساله و یک زن ۵۰ ساله باشنده‌گان ولسوالی‌های سیغان و یکه‌ولنگ نمیرا بامیان با خوردن مرگ موش اقدام به خودکشی کرده که سرانجام در شفاخانه ولایتی بامیان درگذشته‌اند.» سخنگوی والی طالبان در بامیان، علت خودکشی این دو زن را خشونت‌های خانوادگی عنوان کرده است. دفتر رسانه‌های فرماندهی امنیه طالبان در بامیان نیز با نشر خبرنامه‌ای، این رویدادها را تایید کرده، اما درباره علت و انگیزه آن جزئیات ارائه نکرده است. گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر کشور، نهادها و اداره‌هایی که به مشکلات و خشونت‌ها علیه زنان رسیده‌گی می‌کردند، بسته شدند و این امر سبب افزایش خشونت علیه زنان شده است.

صبح، بامیان: منابع محلی می‌گویند که در چهار رویداد جداگانه، چهار زن ۱۶ تا ۴۵ ساله در ولسوالی‌های سیغان، یکه‌ولنگ نمیرا و مرکز بامیان به دلیل خشونت‌های خانوادگی با خوردن مرگ موش اقدام به خودکشی کرده‌اند.

منابع می‌گویند که از شمار چهار زنی که در ولایت بامیان مرگ موش خورده‌اند، دو تن آن‌ها روز یکشنبه، ۲ دلو، جان باختند. منابع تاکید می‌کنند که جان‌باخته‌گان، یک دختر ۱۶ ساله و یک زن ۴۵ ساله از باشنده‌گان روستاهای «قرونه» و «سرقول» ولسوالی‌های سیغان و یکه‌ولنگ نمیرا بامیان بوده‌اند.

یک منبع معتبر از شفاخانه ولایتی بامیان به شرط افشا نشدن هویتش می‌گوید که دو دختر دیگر نیز در این شفاخانه زیر تلاوی قرار دارند.

جای خالی ادبیات مقاومت در مبارزه علیه طالب

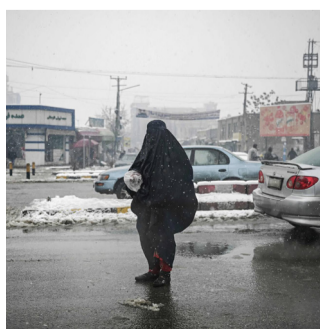


افزایش بی‌رویه جمعیت و اقتصاد شکننده افغانستان



اوچا: به بیش از ۵۶۰ هزار تن در افغانستان کمک کرده‌ایم

پیش از این اوچا اعلام کرده بود که شمار افراد نیازمند به کمک در افغانستان به ۲۸ میلیون تن افزایش یافته است. گفتنی است که سرمای بی‌پیشینه در روزهای اخیر در نقاط مختلف افغانستان، خانواده‌های زیادی را با مشکلات مواجه کرده است. وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طالبان نیز روز گذشته اعلام کرد که از ۲۰ جدی سال روان تا کنون، ۱۰۴ تن در اثر سرما، سیلاب، گازگرفته‌گی و آتش‌سوزی جان باخته‌اند.



صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) می‌گوید که به ۵۶۵ هزار و ۷۰۰ تن در افغانستان در زمستان جاری کمک‌های بشردوستانه ارائه کرده است. اوچا روز یکشنبه، ۲ دلو، با نشر توییتی نوشته است که کمک‌های تازه‌اش تنها ۵۹ درصد کل هدف تعیین‌شده این نهاد را تشکیل می‌دهد. به گفته این نهاد، کمک‌رسانی در بخش گرمایش خانه و توزیع کمپل و پول نقد برای نیازمندان همچنان ادامه دارد.

متقی:

اوزبیکستان براساس قرارداد به افغانستان برق صادر کند

صبح، کابل: در ادامه پرچاوی‌های برق در کابل و برخی از ولایت‌های کشور، امیر خان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان، از اوزبیکستان خواسته است که براساس قرارداد، مقدار برق تعیین‌شده را به افغانستان صادر کند. متقی روز یکشنبه، ۲ دلو، در مراسم گشایش صندوق انکشافی محصولات زراعتی افغانستان در کابل این خواست را مطرح کرده است.

سرپرست وزارت امور خارجه طالبان؛ اما در مورد دلیل توقف واردات برق از اوزبیکستان چیزی نگفته است. در همین حال، باشنده‌گان کابل و برخی از ولایت‌های همجوار آن می‌گویند که از پرچاوی‌های دوامدار برق به ستوه آمده‌اند. گفتنی است که هفته گذشته شرکت برشنا از قطع برق وارداتی اوزبیکستان در پی بروز مشکلات فنی در این کشور خبر داده بود.



قمی به متقی: آب افغانستان باید طوری مدیریت شود که حق ایران ضایع نشود



۸ صبح، کابل: سفیر و نماینده ویژه ایران در امور افغانستان در دیدار با سرپرست وزارت امور خارجه طالبان گفته است، آب افغانستان باید طوری مدیریت شود که هدر نرود و حق ایران ضایع نشود.

ضیاحمد تکل، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، یکشنبه شب، ۲ دلو، با نشر توییتی از دیدار امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه این گروه با حسن کاظمی قمی، سفیر و نماینده ویژه ایران در امور افغانستان، خبر داده است.

تکل نگاشته است که در طرف در این دیدار در مورد موضوعات سیاسی و اقتصادی میان دو کشور، با تأکید بر حسن همجواری و منافع دوجانبه گفت‌وگو کرده‌اند.

براساس توییت تکل، قمی گفته است: «با در نظر داشت اهمیت آب، باید تلاش صورت گیرد تا آب طوری مدیریت شود که ضایع نشود و حق ایران به آن برسد.»

متقی نیز گفته است که طالبان به رعایت حق آب

ایران مطابق معاهده ۱۳۵۱ میان دو کشور متعهد است.

سرپرست وزارت خارجه طالبان تصریح کرده است: «میزان اندک باران باعث کمبود آب شده و این یک عذر واقعی است و ما امیدواریم که این مشکل با افزایش میزان باران حل شود.»

گفتنی است که افغانستان و ایران در سال ۱۳۵۱ خورشیدی معاهده‌ای برای استفاده از آب رودخانه هلمند را امضا کرده‌اند. براساس این معاهده، ایران حق دارد تا ۲۶ متر مکعب در ثانیه، حق آب داشته باشد. براساس این محاسبه سالانه باید ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب از دریای هیرمند افغانستان به دریاچه هامون ایران بریزد.

دولت ایران ادعا دارد که در سال گذشته آبی حدود کمتر از ۴ میلیون متر مکعب به دریاچه هامون رسیده است.

طالبان همواره اعلام کرده‌اند که به تعهدات دولت‌های پیشین درباره حق آب ایران متعهدند.

افزایش انواع قاچاق از افغانستان به ایران؛ والی سیستان و بلوچستان به نیمروز سفر کرد

۸ صبح، نیمروز: منابع در ولایت نیمروز می‌گویند که در پی افزایش قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران، محمد کرمی، والی سیستان و بلوچستان ایران با والی طالبان در نیمروز دیدار کرده است.

منابع روز یکشنبه، ۲ دلو، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که هیات ایرانی به رهبری کرمی، در مورد افزایش قاچاق انسان و قاچاق مواد مخدر با والی طالبان گفت‌وگو کرده است. والی طالبان در نیمروز به هیات ایرانی گفته است که این گروه می‌خواهد با ایران روابط و همکاری نزدیک داشته باشد.

این در حالی است که براساس گزارش‌ها، پس از حاکمیت طالبان، قاچاق انواع مواد مخدر از مرزهای افغانستان به ویژه از ولسوالی کنگ ولایت نیمروز به ایران افزایش یافته است.

همچنان مرزهای ایران روزانه گواه عبور صدها مهاجر افغان است که به گونه قاچاقی به ایران می‌روند و نیز از ایران به افغانستان بازگردانده می‌شوند.

گزارش‌هایی نیز منتشر شده است که طالبان در ولایت نیمروز از قاچاق بران انسان پول دریافت می‌کنند.



سوء تغذیه در افغانستان؛ سال گذشته ۵۴ کودک و ۱۵ مادر در غور و بادغیس جان دادند



۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت‌های غور و بادغیس می‌گویند که در سال گذشته سوء تغذیه جان ۵۴ کودک را در این ولایت‌ها گرفته است. منابع محلی روز یکشنبه، ۲ دلو، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که آمارهای ثبت شده در شفاخانه‌های ولایتی غور و بادغیس حاکی از جان باختن ۵۴ کودک در پی ابتلا به سوء تغذیه است.

بربنیاد اطلاعات یک منبع معتبر از ولایت غور، ۱۲ کودک در یک سال گذشته به دلیل عدم تغذیه کافی و سالم جان‌هایشان را از دست داده‌اند.

از سوی دیگر، منابع صحتی در ولایت بادغیس می‌گویند که سوء تغذیه جان ۴۲ کودک را در این ولایت گرفته است.

گفته می‌شود که نزدیک به ۱۵ مادر نیز به دلیل سوء تغذیه در این دو ولایت در زمان مشابه جان باخته‌اند.

براساس آمارها، نزدیک به ۵۰ هزار کودک در غور و بادغیس به سوء تغذیه مبتلا اند. پس از قدرت‌گیری طالبان ابتدای کودکان به سوء تغذیه به دلیل گسترش دامنه فقر و گرسنگی افزایش یافته است.

افراد مسلح ناشناس در کندز یک بازرگان را کشتند

۸ صبح، کندز: منابع محلی در کندز می‌گویند که یک بازرگان در پی تیراندازی افراد مسلح ناشناس کشته شده است.

این بازرگان که غلامحسین عنایت نام داشت روز جمعه، ۳۰ جدی، در ساحه قزل‌سای ولسوالی علی‌آباد ولایت کندز به رگبار بسته شده است. برپایه اطلاعات منابع، عنایت زمانی از سوی

تفنگ‌داران ناشناس هدف قرار گرفت که از ولایت کندز به سمت کابل در حرکت بود. طالبان در کندز با تأیید این رویداد از آغاز بررسی‌ها در مورد قتل این بازرگان خبر داده‌اند. گفتنی است که چند روز پیش نیز یک بازرگان از سوی تفنگ‌داران ناشناس در ولایت بغلان کشته شد.

آتش‌سوزی در ساختمان قوماندانی امنیه طالبان در دهدادی بلخ؛ تمام اسناد مالی و اداری سوخته است

آتش‌سوزی شام روز شنبه، ۱ دلو، رخ داده است. در همین حال، یک منبع معتبر از قوماندان امنیه طالبان در دهدادی می‌گوید که آتش‌سوزی در شعبه مالی و اداری این قوماندانی رخ داده و تمام اسناد مالی و اداری در آتش سوخته است.

طالبان در بلخ وقوع آتش‌سوزی در ساختمان قوماندانی امنیه ولسوالی دهدادی را تأیید کرده و گفته‌اند که این رویداد در نتیجه شارژی برق رخ داده است.

وقوع آتش‌سوزی‌ها در بخش‌های مختلف کشور طی چند ماه گذشته خسارات هنگفت مالی برجای گذاشته است.



۸ صبح، بلخ: منابع محلی در بلخ می‌گویند که ساختمان قوماندانی امنیه طالبان در ولسوالی دهدادی این ولایت آتش گرفته است.

منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این

یک زندانی در زندان طالبان در غور خودکشی کرد



گروه داعش بازداشت و زندانی کرده بوده‌اند. این در حالی است که طالبان افراد زیادی را به اتهام‌های گوناگون بازداشت می‌کنند و گزارش‌های متعددی از انواع شکنجه در زندان‌های این گروه به نشر رسیده است.

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور از جان باختن یک زندانی در زندان طالبان در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع روز یکشنبه، ۲ دلو، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که یک زندانی شب گذشته در ولسوالی شهرک ولایت غور در زندان جان باخته است.

مسوولان محلی طالبان با تأیید این خبر، گفته‌اند که این زندانی خودش را حلق‌آویز کرده و به زندگی‌اش پایان داده است. طالبان در مورد هویت این زندانی معلومات نداده‌اند، اما گفته شده است که او را به اتهام عضویت در

تراج آثار باستانی افغانستان

با شروع جنگ‌ها در افغانستان، تراج آثار باستانی کشور نیز آغاز یافت. در سال‌هایی که جنگ‌های داخلی مجاهدین و هرج‌ومرج‌های پس از آن اتفاق افتاد، بخشی از این آثار به خارج قاچاق شد. در دوره اول حاکمیت طالبان دسته‌های مافیایی‌ای که با این گروه همراه بودند، با همدستی مافیای پاکستانی به شکل گسترده‌ای به حفاری و قاچاق آثار باستانی اقدام کردند و هزاران قلم از اشیای عتیقه را در بازارهای سیاه به فروش رساندند. در دوران جمهوریت هر چند اقداماتی برای جلوگیری از این کار صورت گرفت، اما به دلیل ضعف و فساد بسیاری از دستگاه‌ها، پدیده قاچاق آثار عتیقه متوقف نشد. با روی کار آمدن دوباره طالبان در افغانستان و باز شدن دست مافیا، که اینک به شکل پیش‌رفته‌تری عمل می‌کند، موج جدیدی از قاچاق این آثار به راه افتاده و این بار علاوه بر بازار سیاه پاکستان، در دیگر بازارهای سیاه منطقه به‌شمول ایران نیز به فروش می‌رسد.

آثار باستانی کشورها معتبرترین گنجینه تاریخی آن‌ها است و می‌تواند ابعادی از فرهنگ، قانون، هنر، سطح عقلائییت، نحوه معیشت، طریقه مدیریت، میزان توسعه و بسیاری از ناگفته‌ها را درباره گذشته به ما بازگوید و امروز را با دیروز پیوند دهد. همچنان این آثار کمک می‌کند که جلو تحریف حقایق تاریخی گرفته شود؛ زیرا دستگاه‌های قدرت و جریان‌های رقیب آن معمولاً تاریخ را مسخ می‌کنند و از این رو روایت رسمی از تاریخ، غالباً جعلی و غیر قابل اعتبار است. تاریخ جعلی عمدتاً برای خدمت به صاحبان قدرت یا گروه‌های درگیر این ماجرا به وجود می‌آید تا با خلق توهم‌های نژادی، مذهبی، تباری و مانند این‌ها، پایه حاکمیت یک گروه را تقویت و تحکیم ببخشد. تاریخ جعلی ادعاهایی بزرگ در می‌افکند و با تکرار و تلقین به تبلیغ و ترویج آن‌ها کمر می‌بندد تا آن‌ها را به مثابه حقایق پذیرفته‌شده وارد باور عمومی کند. برای جعل تاریخ به اسناد چندانی ضرورت نیست، جز موارد گزینشی که بتواند پشتوانه آن ادعاها باشد.

تاریخ حقیقی اما از روی آثار مستند و معتبر که با شیوه‌های علمی قابل سنجش و ارزش‌یابی باشد، به نگارش درمی‌آید. نه تنها سنگ‌نوشته‌ها و آثار فلزی، بلکه حتی ظروف سفالین مربوط به زمانه‌های باستانی، گفتنی‌های فراوانی درباره گذشته دارند و از آن طریق هم اعتقادات و هم سبک زنده‌گی مردم قابل مطالعه و شناسایی می‌شود. هرچه شمار بیشتری از آثار باستانی در اختیار داشته باشیم، بیشتر می‌توانیم در برابر توفان جعل‌کاری بایستیم و از حقیقت دفاع کنیم. راز توجه کشورهای پیش‌رفته به گردآوری آثار عتیقه و به‌ویژه اهمیتی که مراکز علمی و آکادمیک به این کار می‌دهند، در همین جا نهفته است.

افغانستان در نیم‌قرن اخیر بخش فراوانی از آثار باستانی خود را از دست داده و این آثار تبدیل به پولی کثیف شده که به جیب دزدان و قاچاق‌بران رفته است. طالبان افزون بر نفوذ مافیا و شبکه‌های قاچاق در بدنه تشکیلاتی آن، نه درکی از اهمیت آثار باستانی دارند و نه باوری به ارزشمندی آن‌ها. بدتر این‌که گروه‌های بنیادگرا عموماً جا افتادن روایت جعلی خود از گذشته را وابسته به محو تاریخ گذشته می‌دانند و از این رو، به تخریب و نابودسازی اسناد و آثار گذشته اقدام می‌کنند. کاری که طالبان با مجسمه‌های بودا در بامیان کردند، دقیقاً همان کاری بود که داعش در پالمیرای سوریه کرد. داعش با از بین بردن آثار ارزشمندی که از چندین تمدن کهن به میراث مانده بود، بخشی از تاریخ مستند بشریت را به نابودی کشاند. طالبان نیز در همین مسیر روانند. ملت‌هایی که تاریخ حقیقی خود را حفظ نکنند، زنده‌گی‌شان دست‌خوش جعل و دروغ خواهد بود.

تعرفه بلند در نبود برق؛

باشندهگان کابل برشنا را به اضافه‌ستانی متهم می‌کنند

با سرد شدن هوا، گاز کافی برای تولید برق در اختیار ندارند و از همین رو مجبور شده‌اند برق صادراتی به افغانستان را قطع کنند.

اتکای افغانستان بر برق وارداتی

افغانستان با داشتن منابع سرشار تولید انرژی، هنوز هم بر برق وارداتی متکی است. اوزبیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ایران چهار کشوری‌اند که حدود ۷۵ درصد برق مورد نیاز افغانستان را تأمین می‌کنند. تنها ۲۵ درصد انرژی مورد نیاز کشور از بندهای برق و منابع دیگر داخلی به دست می‌آید. کشورهای صادرکننده برق در فصل‌های تابستان و زمستان به دلیل رفع نیازهای داخلی، برق صادراتی به افغانستان را کاهش می‌دهند. با این حال، کابل و بیشتر ولایت‌های کشور به تاریکی فرود می‌روند.

براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی شرکت برشنا، افغانستان حدود دو هزار میگاووات برق در ساعت نیاز دارد. ۷۵ درصد این برق از اوزبیکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ایران وارد می‌شود و ۲۵ درصد دیگر آن از منابع داخلی تأمین می‌گردد. هزینه انرژی وارداتی به‌شدت سنگین است. افغانستان با نرخ‌های متفاوتی از کشورهای همسایه برق خریداری می‌کند. براساس گزارش رسانه‌های تاجیکستانی، این کشور از هر کیلووات برق صادراتی به افغانستان ۴۶۷ سنت امریکایی دریافت می‌کند. همچنان هر کیلووات برق وارداتی ترکمنستان به افغانستان حدود چهار سنت امریکایی تمام می‌شود. گران‌ترین برق اما از کشور ایران وارد افغانستان می‌شود. براساس گزارش‌ها، ایران در بدل هر کیلووات برق حدود هشت سنت امریکایی از افغانستان دریافت می‌کند. با این حال، افغانستان سالانه بین ۲۸۰ تا ۳۰۰ میلیون دالر را صرف خرید برق از کشورهای همسایه می‌کند.

که با توجه به بحران اقتصادی موجود در کشور، از اضافه‌ستانی در هزینه برق مصرفی دست بردارد و برای تأمین انرژی مورد نیاز شهروندان تلاش ورزد. مسوولان شرکت برق‌رسانی (برشنا) تاکنون به این ادعاها واکنشی نشان نداده‌اند. مسوولان این شرکت اما در صحبت با رسانه‌ها گفته‌اند که برای همه مناطق کابل از طرف شب برق را وصل می‌سازند. به گفته آنان، تلاش‌ها جریان دارد تا بتوانند دست‌کم برای دو ساعت در روز نیز به خانه‌های کابل برق را وصل کنند. پرچای‌های برق در کابل از اوایل ماه قوس آغاز شد و در حال حاضر به حد اعظمی رسیده است. بیشتر نقاط کابل در یک شبانه‌روز بیش از ۲۲ ساعت از انرژی برق محروم‌اند. کابل و یازده ولایت دیگر کشور از برق وارداتی اوزبیکستان استفاده می‌کنند. حکمت‌الله آخوندزاده، مسوول برق‌رسانی کابل، در صحبت با رسانه‌ها توضیح داده که باشندهگان پایتخت به ۸۰۰ میگاووات برق نیاز دارند، اما شرکت برشنا تنها ۸۰ میگاووات برق توزیع می‌تواند.

در همین حال مقام‌های وزارت خارجه طالبان، اوزبیکستان را به خلاف‌ورزی در صادرات برق به افغانستان متهم می‌کنند. امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، روز یک‌شنبه، ۲ دلو، در نشست در کابل گفته است که اوزبیکستان در این زمستان سخت و سردی هوا به وعده‌ای که به شرکت برق‌رسانی (برشنا) داده بود، عمل نکرده است. متقی افزود: «اوزبیکستان» برای شرکت برشنا وعده کرده که حدود ۴۰۰ میگاووات برق به افغانستان می‌دهد، اما بدبختانه حالا برق را قطع کرده که هموطنان ما با مشکلات زیادی مواجه هستند.»

مقام‌های وزارت انرژی اوزبیکستان از این پیش‌توضیح داده‌اند که برق صادراتی به افغانستان به علت کاهش گاز برای تولید انرژی، قطع شده است. به گفته آنان،



یونس (نام مستعار) باشنده منطقه کارته سخی شهر کابل، می‌گوید که دو ماه پیش بابت هزینه برق دوره سوم مبلغ ۶۵۰ افغانی پرداخته بود، اما در ماه گذشته با وجود این‌که پرچاوی برق بیشتر بوده است، بیش از یک هزار و ۲۰۰ افغانی بالای او هزینه آمده است.

فهم امین

یونس (نام مستعار) باشنده منطقه کارته سخی شهر کابل، می‌گوید که دو ماه پیش بابت هزینه برق دوره سوم مبلغ ۶۵۰ افغانی پرداخته بود، اما در ماه گذشته با وجود این‌که پرچاوی برق بیشتر بوده است، بیش از یک هزار و ۲۰۰ افغانی بالای او هزینه آمده است. احمدزبیر، باشنده شهرک امید سبز در غرب کابل، توضیح می‌دهد که طبق مقررات موجود در بلاک، در کنار صرفیه برق آپارتمان خودش، مکلف است هزینه برق جاده‌ها را نیز بپردازد. او توضیح می‌دهد که آخرین تعرفه برق را در چهارم جدی سال روان خورشیدی دریافت کرده و هیچ تفاوتی در هزینه آن با تعرفه ماه قوس دیده نمی‌شود؛ در حالی که به سخن او، در بیش از یک ماه گذشته برق دولتی به‌شدت کاهش یافته است. احمدزبیر ضمن ابراز نارضایتی از خدمات شرکت برشنا می‌گوید: «شرکت برشنا یک شرکت بی‌کفایت است. در دو دهه گذشته با وجود کمک‌های خارجی نتوانست بندهای برق را فعال کند و میزان برق تولیدی افغانستان را بیشتر بسازد.» این در حالی است که با آغاز فصل سرما پرچاوی برق در پایتخت و بیشتر ولایت‌های کشور افزایش یافته است. باشندهگان کابل توضیح می‌دهند که در یک شبانه‌روز نظر به منطقه بین دو تا هفت ساعت برق دارند. از آنجایی که برق در عصر حاضر به یکی از نیازهای اساسی در بزرگ‌شهرها بدل شده، کمبود برق ساکنان کابل را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است. آنان از شرکت برق‌رسانی (برشنا) می‌خواهند

شماری از باشندهگان کابل در کنار نبود برق، از اضافه‌ستانی شرکت برق‌رسانی (برشنا) شکایت دارند. آنان می‌گویند که در نبود برق منظم و دوام‌دار، هنوز هم تعرفه صرفیه برق مانند دوره‌های قبلی گزاف و در مواردی بیشتر از دوره‌های قبلی حساب شده است. باشندهگان پایتخت خاطر نشان می‌سازند که با آغاز فصل سرما، به تفکیک منطقه در یک شبانه‌روز بین دو تا هفت ساعت برق دارند. پایتخت‌نشینان از شرکت برشنا می‌خواهند که با توجه به بحران اقتصادی حاکم در کشور، از اضافه‌ستانی دست بردارد و تلاش ورزد تا نیاز شهروندان به برق را برطرف سازد. مقام‌های وزارت خارجه طالبان اما اوزبیکستان را در قطع انرژی وارداتی به افغانستان متهم می‌کنند و از این کشور می‌خواهند که به تعهدات خود عمل کند.

محمدخالد، باشنده ناحیه ششم شهر کابل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «برق نیست، بل طوری می‌آید که بگوی ۲۴ ساعت برق داشته‌ایم. بل برق باید یک بر دهم حصه دو ماه پیش بیاید. در دوره سوم که برق منظم‌تر بود، دو هزار و ۲۰۰ آمده بود، حالا در دوره چهارم که برق چشم‌پتکان راه انداخته، باز هم یک هزار و ۸۰۰ آمده است.» این باشنده کابل تاکنون صرفیه برق دوره چهارم را نپرداخته و منتظر است با دریافت تعرفه دوره پنجم به شرکت برشنا مراجعه کند و خواهان بازنگری شود.

خشک‌سالی و کمبود علوفه؛

دام‌داران در بادغیس به فروش گوسفندان روی آورده‌اند

به گفته دام‌داران برای تغذیه یک رأس گوسفند در فصل سرما، به دو تریپال کاه و دست‌کم ۵۰ کیلوگرام جو نیاز است. قیمت یک تریپال کاه در حال حاضر به ۹۵۰ افغانی در بازارهای بادغیس رسیده است. همچنان یک بوری جو بالاتر از ۲۷۰ افغانی به فروش می‌رسد.



۸ صبح، هرات

زمان طولانی در فصل سرما برای دام‌هایشان مواد خوراکی تهیه کنند. عبدالعزیز، دام‌دار دیگری در ولسوالی آب‌کمری ولایت بادغیس، می‌گوید: «سال‌های قبل به غیر از روزهای خیلی سرد و برفی گوسفندان خود را به دشت و صحرا و چراگاه می‌بردیم و از علوفه‌های خشک و باقی‌مانده در چراگاه استفاده می‌کردند. شب‌ها پس می‌آوردیم. مصرف مواد خوراکی گوسفندان کم بود. اما امسال چراگاه‌ها هیچ علف ندارد، مجبوریم شب و روز برای حیوانات کاه و جو تهیه کنیم. قیمت‌ها هم به اوج رسیده. هیچ کس هم به فکر گوسفنددار و مردم غریب نیست.»

این دام‌دار از کمک‌های نمایشی شماری از موسسه‌ها به دام‌داران شکایت دارد و هشدار می‌دهد: «چند روز پیش چند نفر آمدند، لیست گرفتند که مواد خوراکی حیوانی بدهند. بعد از همه لیست و لیست‌بازی، علوفه‌ها را آوردند که به اندازه خوراک دو شب گوسفندان ما بود. این قسم کمک‌های نمایشی هیچ دردی را دوا نمی‌کند. اگر همین قسم باشد، همه ما مجبوریم سال آینده دیگر گوسفندداری نکنیم و باقی‌مانده را هم بفروشیم.»

ادامه در صفحه ۵

موسسه‌ها کمک نکنند و خشک‌سالی هم باشد، دیگر توان نداریم گوسفندداری کنیم. تا بهار مجبورم چند گوسفند دیگر را هم بفروشم و کاه و جو بخرم. پس چه فایده که با هزار زحمت این‌ها را نگه دارم! چند روز پیش چند هیات آمد و به ما علوفه داد، اما فقط به اندازه خوراکی دو شب، فقط نمایشی. این حمایت نیست، ما را دلخوش می‌کنند و برای خود عکس و فلم می‌گیرند و خلاص.» نبود علوفه در چراگاه‌ها به دلیل خشک‌سالی‌های پی‌درپی، دام‌داران را ناگزیر ساخته که برای مدت

گوسفندان خود را فروختم تا برای زنده نگه‌داشتن دیگران کاه و جو بخرم. خشک‌سالی است دیگر، نه دولت کمک می‌کند و نه هم موسسه‌ها. مجبوریم خود ما برای خود چاره پیدا کنیم. قیمت آذوقه هم گران شده است. پارسال قیمت یک پلاستیک (بوری) کاه ۵۰۰ افغانی بود، اما امروز ۹۵۰ افغانی خریدم. قیمت جو هم نسبت به پارسال دو برابر گران شده است.» این دام‌دار ناتوانی‌اش در تأمین آذوقه حیوانی را شرح می‌دهد: «اگر دولت همین قسم بی‌توجه باشد و

خشک‌سالی‌های پی‌پیهم و کمبود علوفه و دیگر خوراکی‌های حیوانی، نگهداری دام را برای دام‌داران در بیشتر ولایت‌های کشور به‌ویژه بادغیس، دشوارتر ساخته است. شماری از دام‌داران ناگزیر شده‌اند تعدادی از دام‌هایشان را برای نجات بقیه بفروشند. افزون بر این، کمبود علوفه هزینه‌های دام‌پروری را افزایش داده است. دام‌داران در بادغیس دام‌پروری در شرایط کنونی را مقرون به صرفه نمی‌دانند و ناگزیرند دام‌های خود را زود هنگام روانه کشتارگاه‌ها کنند و یا به فروش برسانند. بادغیس که بیشتر باشندهگان آن با دام‌داری امرار معاش می‌کنند، توضیح می‌دهند که خشک‌سالی‌ها منتج به کاهش مقدار مواد خوراکی حیوانی مانند «کاه» و «جو» در بازارها شده که در نتیجه بهای علوفه در این ولایت افزایش یافته است. بیشتر دام‌داران توان تأمین هزینه‌های دام خود را ندارند و با گذشت هر روز زیان بیشتری را متحمل می‌شوند.

عبداللله، یکی از دام‌داران در ولسوالی بالاچوند ولایت بادغیس است که ده رأس گوسفند خود را به‌تازه‌گی در بازار گنج شهر قلعه نو به فروش رسانده است تا برای بقیه گوسفندانش آذوقه زمستانی تهیه کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «۱۰ تا از



الیت‌سیاسی و نبود ایده جامع برای آینده

الیت سیاسی
افغانستان در
سرخوردگی،
سردرگمی و
غیبت اجماع و
توافق همه‌گانی
به سر می‌برند.

عجیب به سر می‌برند و هنوز نتوانسته‌اند بر محور یک فکر و ایده گرد آیند. بدون وجود یک ایده قدرتمند و رُف برای حل مساله افغانستان، گذار از طالبان دشوار است. می‌بایستی این ایده‌ها و تفکرات شکل بگیرد که افغانستان پس‌اطالبان چه چیزهایی داشته باشد، میناها و اساس‌هایش چه باشد و چگونه می‌توان به آن دست پیدا کرد. همه این مولفه‌ها قبل از آن‌که در دنیای واقعی تجسم عینی پیدا کند، باید در تفکر سیاسی شکل بگیرد و توده‌ها به آن باورمند شوند و بعد در دنیای واقعی تجسم پیدا کنند.

چالش دیگری که الیت سیاسی افغانستان را آسیب‌پذیر کرده و بر سردرگمی آن‌ها افزوده است، از یک‌سو درس نگرفتن از گذشته است و از سوی دیگر اختلافات بزرگی است که میان آن‌ها وجود دارد. این جماعت هنوز نتوانسته‌اند در برابر طالبان یک اجماع سیاسی قوی را به وجود بیاورند یا حتی درباره به وجود آوردن و توافق بر سر مولفه‌های آن با هم‌دیگر حرف بزنند. گفت‌وگو و دیپلماسی اساس سیاست در دنیای جدید است. هر سیاست‌مدار و سیاست‌ورزی که نتواند گفت‌وگو کند و راه‌های تعامل و تقابل را بلد شود، محکوم به شکست است.

الیت سیاسی افغانستان در سرخوردگی، سردرگمی و غیبت اجماع و توافق همه‌گانی به سر می‌برند. این وضعیت، مساله افغانستان را پیچیده‌تر می‌سازد، بر عمر سلطه طالبان می‌افزاید و بحران‌های موجود را حادتر می‌کند. نزدیک به دو سال از سقوط افغانستان می‌گذرد، اما الیت افغانستان به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند؟ آن‌ها در واقع چه کرده‌اند؟

حقیقت این است که بدون یک آدرس قوی از طرف الیت سیاسی افغانستان که سودای حکومت قانون و گذار از طابان را داشته باشد، جامعه جهانی نیز به آن‌ها توجه نخواهد کرد. ایده‌های متنوع کنونی باید توحید شود و همه نخبه‌گان سیاسی بر محور یک ایده

فعلی آسان‌تر کرده و زمینه‌های تحلیل و تبیین آینده سیاسی افغانستان را مساعد می‌کند. این نکته باید روشن باشد که طالب یک بن‌بست بزرگ است که افغانستان باید از آن گذار کند و به یک دولت جامع، دموکراتیک و دارای مقبولیت داخلی و مشروعیت بین‌المللی برسد. اهمیت این تفکر از آن‌جا ناشی می‌شود که تمام مبارزات سیاسی - نظامی مردم افغانستان بر پایه این تفکر استوار است؛ طالب شر مطلق است و مبارزه علیه آن ضروری و اساسی که مسیر گذار از آن می‌گذرد. الیت سیاسی افغانستان باید پیش از همه به این تفکر برسند که به نظر می‌رسد بخش از آن‌ها اکنون به این تفکر نرسیده‌اند و در سردرگمی به سر می‌برند.

با آن‌که الیت سیاسی افغانستان هنوز به این تفکر نرسیده‌اند که باید از طالبان گذار کرد، چالش دیگری که مایه نگرانی است، سردرگمی این جماعت در اکنون است که نه تبیین واقع‌بینانه از گذشته دارند و نه تحلیل مبتنی بر واقعیت‌های موجود از آینده که بتوانند با سر هم گذاشتن این دو بخش مهم، حرفی برای گفتن و برنامه‌ای برای انجام دادن داشته باشند. آن‌ها از ترکیه تا تاجیکستان و از ایران تا پاکستان در یک سردرگمی

آسو

وضعیت افغانستان با اکنون تاریک و آینده مبهم همچنان ادامه دارد و به نظر می‌رسد که طالبان نیز به بن‌بست کامل سیاسی رسیده‌اند. سیاست‌های زن‌ستیزانه، موضع‌گیری‌های قوم‌محورانه و عمل‌کرد مبتنی بر ایدئولوژی خشن اسلام سیاسی - تروریستی، تفکر «طالبان تغییر کرده‌اند» را بر باد داد و آشفته‌گی سیاسی به یک بحران تمام‌عیار رسیده است که منطقه و جهان را تهدید می‌کند. با ترسیم چنین خطوطی از وضعیت موجود، پرسش از این است که الیت سیاسی افغانستان کجا بیند؟ آن‌ها چه می‌کنند؟ ایده آن‌ها برای افغانستان تحت اشغال و ستم ظالمانه طالبان چیست؟ بدون ترسیم یک ایده جامع و روایت قوی، رسیدن به پیروزی ممکن نیست. مردم باید در برابر طالبان پیروز شوند، اما با چه ابزارها و راهکارهایی، این را باید الیت سیاسی ترسیم کنند، روشن‌فکران در مورد آن حرف بزنند و رهبران خطوط آن را بکشند.

در خصوص الیت سیاسی افغانستان که بیست سال در سازوکارهای قدرت - ثروت حضور داشته‌اند، چند نکته اساسی وجود دارد که شناخت آن‌ها را در شرایط

جای خالی ادبیات مقاومت در مبارزه علیه طالب

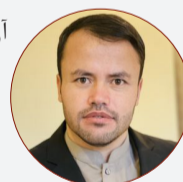
داد را می‌گیرد و روایت‌گر دردها، رنج‌ها، مویه‌ها، داغ‌ها و پیروزی‌ها می‌شود و گدازه‌های درون را که با هیچ قالب دیگر قابل بیان نیست، وصف می‌کند. بنابراین، ادبیات مقاومت در شرایط موجود از ضروری‌ترین ضرورت‌های مقاومت فرهنگی علیه طالبان است؛ چون زنده‌گی، شرافت، کرامت و هویت انسانی با خطر مواجه شده است. وضعیت موجود حکم می‌کند که انگیزه برای دفاع از انسان و ارزش‌های انسانی در برابر این نیروهای مهاجم به میان آید و روایتی روحی و روانی جمعی در مقابل سیاه‌ترین و شرم‌آورترین دوره تاریخی به تصویر کشیده شود.

ادبیات مقاومت در این مقطع زمانی تنها رسالت انگیزنده‌گی و شورنده‌گی عواطف جمعی در مقابل طالبان را ندارد، بلکه این ادبیات رسالت جهانی دارد و برای ایجاد نوع مقابله فراگیر جهانی در برابر ظلم و ستم موجود، همسویی مردمان جهان را می‌طلبد که جدا از موضع‌گیری‌های سیاسی رهبران و تصمیم‌گیرنده‌گان مملکتی خویش در کنار مردم قرار بگیرند. برای همسویی این احساسات و همگرایی ملل، بهترین قالب و شیوه خلق ادبیات مقاومت، شامل همه ژانرهای ادبی است که باید جدی گرفته شود، همه نیروهای مخالف طالبان به این امر مهم توجه داشته باشند و نقش و تاثیر ادبیات بر روح و روانی جمعی را مهم بشمارند؛ چون جهان از قدیم تا ندیم در مضاف‌ها و آوردگاه‌ها سراغ ادبیات رفته و از آن مدد جسته است. ادبیات مقاومت در کنار کارکردهای ابزاریش، تاریخ واقعی را نیز روایت می‌کند. تاریخی را که در ورق‌های سرد و بی‌جان تاریخ که معمولاً روایت دستگاه حاکم در یک مقطع زمانی را روایت اصلی می‌شمارد، به چالش می‌کشد.



از مهم‌ترین سنگرهای فرهنگی علیه بیدادگران، متجاوزان و غارت‌گران است که صدای مخالفت را با زبان هنری و ادبی بیان می‌کند، مقاومت و ایستاده‌گی را به امید، احساس و عاطفه مبدل می‌کند و مقاومت را از سنگرهای داغ نبرد بیرون و به خانه‌ها انتقال می‌دهد. در درازنای زمان، ادبیات مقاومت همیشه در برابر ظلم، استبداد، به برده‌گرفتن و نابودی عواطف و احساسات جمعی، قد علم کرده، به دفاع انسان پرداخته است. ادبیات پیوسته پناهگاه و آغوش برای خلوت خیال‌ها و آرزوهایی بوده است که در عالم واقعی، کم‌تر می‌توان در شرایط نابه‌سامان به آن امید بست، اما با شنیدن یک پارچه موسیقی، دیدن یک نقاشی، خواندن یک غزل‌مثنوی حماسی و سایر ژانرهای ادبی علیه دشمن جان دوباره گرفت و لباس رزم و رهایی بر تن کرد. این ادبیات مقاومت است که پیوسته مشعل بیداری را برای ترغیب مردم علیه ستم‌پیشه‌گان برمی‌انگیزاند، شور می‌آفریند، تسلیم‌ناپذیر می‌کند و در هر بیدادی، جانب

آزادی در همه ابعاد آن در افغانستان از بین رفته است. منتقد و معترض سیاست‌های طالبان به شدت سرکوب، بازداشت و کشته می‌شود. روشن‌گری، دگراندیشی و خردباوری در



امین کاوه

قلمرو حاکمیت این گروه به‌مثابه دشمنی با جان انسان فهمیده می‌شود. نخبه‌گان و نحله‌های مختلف فکری مخالف، چه در جبهه چپ و چه در گروه راست اجتماعی، برای طالبان پذیرفتنی نیستند و این گروه در سرکوب اندیشه و صدای آنان از هیچ اقدام کشنده‌ای دریغ نمی‌ورزد. هر جا صدایی از جنس دانایی، آگاهی و برابری بلند شود، چکش دگم‌اندیشی، ساطور چهل و شمشیر مذهب طالبانیسم بر فرش فرود می‌آید و مجال برای نفس کشیدن نمی‌یابد. در چنین وضعیتی، روح آزاده‌گی و توان ایستاده‌گی برای بیداری و روشن‌گری و عصیان‌گری از درون می‌میرد و نیاز به انرژی و امیدی است که بتواند شمشیر آزادی را از غلاف برون آرد و گردن سیاهی و تباهی را ببرد. طالبان در یک سال و هفت ماه گذشته، افغانستان را به قربانگاه کثرت‌اندیشی و جولانگاه افراط‌گرایی مبدل کرده، آزادی را به بند کشیده، تروریسم را فربه‌تر ساخته و کشور را به جهنمی برای زیستن در ناسازه تبدیل کرده‌اند. در این مدت جبهه‌های مختلف سیاسی و نظامی علیه رفتارهای غیرانسانی این گروه موضع گرفته و قیام کرده‌اند. زنان تنها پرچم‌داران اعتراض‌های گسترده، همیشه‌گی و سراسری بوده‌اند که با ندای عدل به مضاف جنگ‌جویان تشنه‌به‌خون آدم طالبان به خیابان رفته و صدای اعتراض و برابری‌طلبی‌شان

طالبان متهم‌اند



۸ صبح، پروان

دزدی‌های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان نیز از چندی به این سو در پروان افزایش یافته است. برینید گزارش‌های نشر شده، تنها در دو شبانه‌روز هفته گذشته، چهار سرقت مسلحانه در بخش‌های مختلف پروان صورت گرفت. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در رویداد نخست، چاشت روز یک‌شنبه، ۲۵ جدی، افراد مسلح که خود را نیروهای طالبان معرفی کرده بودند، در ساحه پارچه هفتم شهر چاریکار وارد یک خانه رهائشی شده، پول و طلا این خانواده را به سرقت بردند.

باشنده‌گان پروان از افزایش کم‌پیشینه رویدادهای جنایی در این ولایت شکایت دارند. به گفته آنان، تنها در کمتر از دو هفته گذشته، چهار قتل و ده‌ها سرقت مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان در بخش‌های مختلف این ولایت صورت گرفته است. باشنده‌گان محل طالبان را به ناتوانی در تامین امنیت متهم می‌کنند و می‌گویند که در برخی از موارد جنگ‌جویان و افراد وابسته به این گروه نیز در دزدی‌های مسلحانه و قتل‌های مرموز دست دارند. با این حال، بزرگان محل و شماری از فعالان جامعه مدنی در پروان، خواستار تامین امنیت در این ولایت‌اند.

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در کمتر از دو هفته گذشته دست‌کم چهار قتل و ده‌ها سرقت مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان در بخش‌های مختلف ولایت پروان صورت گرفته است. در رویداد نخست تفنگ‌داران ناشناس حوالی ساعت ۹:۰۰ جمعه‌شب، ۱۶ جدی، یک بزرگ قومی را در منطقه «مناره» ولسوالی جبل‌السراج به قتل رسانده‌اند. به گفته منابع، این فرد صافی نام داشت و به‌تازه‌گی از سوی طالبان به‌عنوان قریه‌دار بخشی از منطقه مناره ولسوالی جبل‌السراج گماشته شده بود. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که افراد مسلح ناشناس این بزرگ قومی را در بیرون از خانه‌اش تیرباران کردند.

در کنار آن، در یک هفته گذشته سه تن در مناطق مختلف ولایت پروان در دو رویداد جداگانه به‌گونه مرموز کشته شده‌اند. در رویداد نخست، جسد یک مرد جوان روز شنبه، ۲۴ جدی، از مربوطات شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، به دست آمده است. به گفته منابع، این مرد ۳۰ ساله بوده و به‌گونه مرموز توسط افراد مسلح به قتل رسیده است. عاملان این قتل مشخص نیست و تاکنون انگیزه آن نیز روشن نشده است.

همچنان جسد‌های دو مرد دیگر که به‌گونه مرموز کشته شده‌اند، روز سه‌شنبه، ۲۷ جدی، از مربوطات ولسوالی سالنگ این ولایت پیدا شد. هر چند تاکنون هویت و چگونه‌گی قتل این دو تن معلوم نیست، اما محمد کامران زید، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان برای پروان، گفته است که یکی از این دو جسد از داخل دریا پیدا شده است. مسوولان محلی طالبان جزییات بیشتری در این باره ارائه نکرده‌اند. تاکنون مشخص نیست که جسد‌های پیدا شده متعلق به چه کسانی است و انگیزه این قتل‌ها چه بوده است. مسوولان محلی طالبان می‌گویند که بررسی‌ها در این باره جریان دارد.

سرقت‌های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان

دزدی‌های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان نیز از چندی به این سو در پروان افزایش یافته است. برینید گزارش‌های نشر شده، تنها در دو شبانه‌روز هفته گذشته، چهار سرقت مسلحانه در بخش‌های مختلف پروان صورت گرفت. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در رویداد نخست، چاشت روز یک‌شنبه، ۲۵ جدی، افراد مسلح که خود را نیروهای طالبان معرفی کرده بودند، در ساحه پارچه هفتم شهر چاریکار وارد یک خانه رهائشی شده، پول و طلا این خانواده را به سرقت بردند.

همچنان در رویدادی دیگر، دزدان مسلح دوشنبه‌شب، ۲۶ جدی، با لباس جنگ‌جویان طالبان در منطقه متک ولایت پروان با ایجاد ایست بازرسی اموال سرنشینان نزدیک به ۱۰ موتر را غارت کردند. آسیب‌دیده‌گان این سرقت مسلحانه توضیح می‌دهند که یک گروه هفت‌نفری از افراد مسلح با پوشش نیروهای استخبارات طالبان و با سلاح‌های پیش‌رفته مجهز بودند. به گفته قربانیان، این افراد موترهای آنان را توقف داده و سپس پول نقد و وسایل گران‌بهای آنان را غارت کرده‌اند. منابع اضافه می‌کنند که این دزدی در فاصله ۱۰۰ متری یک

خشک‌سالی و ...

کرد. عجلتاً باید توزیع خوراکی‌های حیوانی برای دام‌داران به‌صورت درست و کافی روی دست گرفته شود، نه به‌صورت نمایشی؛ چون واقعا چالشی جدی است و دام‌داران قدرت خرید ندارند.» هدایت‌الله توضیح می‌دهد: «در قدم بعدی برای یک برنامه‌ریزی طولانی باید یک سلسله جلسات مشورتی را با دام‌داران برگزار و آسیب‌شناسی کنند و به دهقانان تدابیر لازم برای چنین شرایط را آگاهی‌دهی کنند. برای آبیاری چراگاه‌ها برنامه‌های حیاتی را روی دست بگیرند، بذر نباتات علوفه زودرس را به‌عنوان یک روش مهم به دام‌داران و نیز دهقانان مد نظر بگیرند، از تکنیک‌های زراعتی استفاده اعظمی باید صورت بگیرد، مدیریت درست بقایای زراعتی در استفاده حیوانات و استفاده گیاهان پوششی در مزارع و علف‌چرها باید بهبود یابد و می‌تواند راهکار مناسبی در حمایت از دام‌داران باشد و خیلی از مسایل دیگر.»

بادغیس یکی از ولایت‌های پُروتن کشور در زمینه دام‌پروری است که بسیاری از مردم از این طریق امرار معاش می‌کنند؛ اما خشک‌سالی و کمبود علوفه و نبود حمایت از دام‌پروری از سوی طالبان، شرایط نگاه‌داری دام را برای دام‌داران این ولایت دشوار ساخته است. بیم آن می‌رود که در چنین شرایطی شمار زیادی از دام‌داران دست از دام‌پروری بکشند.

دام‌داران در ولایت بادغیس در حالی از هزینه هنگفت دام‌پروری شکایت دارند که بحران خشک‌سالی مناطق زیادی از کشور را در متأثر ساخته است.

بحران خشک‌سالی در افغانستان

خشک‌سالی معمولاً با کمبود بارنده‌گی و افزایش درجه حرارت در یک منطقه همراه است که به‌گونه تدریجی پدیدار می‌شود. خشک‌سالی به‌طور عموم از بارنده‌گی، درجه حرارت، تبخیر، ترقق و محتوای رطوبت قابل دسترس خاک و وضعیت آب‌های زیرزمینی تأثیر می‌پذیرد.

با توجه به میزان منابع آب و سرانه مصرف، افغانستان در گروه کشورهای مواجه با کمبود فزیک‌ی آب قرار دارد و شامل کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵ میلادی با کمبود فزیک‌ی آب مواجه خواهد شد. براساس شاخص سازمان ملل و شاخص موسسه بین‌المللی مدیریت آب، افغانستان هم‌اکنون نیز در وضعیت بحران شدید آبی قرار دارد. افغانستان برای حفظ وضع موجود خود تا سال ۲۰۲۵ میلادی باید بتواند ۱۲۱ درصد به منابع آب قابل استحصال بیفزاید که این مقدار با توجه به امکانات و منابع آب موجود غیرممکن به نظر می‌رسد. نابه‌سامانی‌های ناشی از برنامه‌ها و اقدامات توسعه و نوسازی و خصایص شیوه زیست مردم افغانستان، تأثیرات خود را بر حیات جمعی در این کشور برجای گذاشته است. از جمله عوارض ناشی از این نابه‌سامانی‌ها، تخریب محیط زیست و پدیدایش بحران‌ها از جمله بحران کم‌آبی است.

طالبان که از حدود یک سال و هفت ماه گذشته همه بخش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را زیر اداره دارند، برنامه خاصی برای مبارزه با خشک‌سالی روی دست نگرفته‌اند. همچنان بیشتر نهادهای بین‌المللی مانند دو دهه گذشته حاضر نیستند در امر مبارزه با خشک‌سالی در این کشور، با طالبان تعامل کنند. از سوی دیگر، افغانستان که سرشار از منابع آبی است، به علت مخالفت کشورهای همسایه نمی‌تواند از آب دریاچه‌ها برای رفع تهدید خشک‌سالی و آبیاری کشتزارها استفاده کند.

این در حالی است که به گفته دام‌داران برای تغذیه یک رأس گوسفند در فصل سرما، به دو ترپال کاه و دست‌کم ۵۰ کیلوگرام جو نیاز است. قیمت یک ترپال کاه در حال حاضر به ۹۵۰ افغانی در بازارهای بادغیس رسیده است. همچنان یک بوری جو بالاتر از ۲۷۰ افغانی به فروش می‌رسد.

براساس سخنان دام‌داران، نگاه‌داری گوسفند در بادغیس نسبت به گاوها کم‌هزینه است. گل‌احمد، مردی میان‌سال و از دام‌داران بادغیس، می‌گوید که گوسفند نسبت به گاو آسان‌تر نگاه‌داری می‌شود، هم از لحاظ مصرف کاه و علوفه و هم از بابت محل نگاه‌داری آن. او می‌گوید: «یک گوسفند در یک زمستان دو ترپال کاه مصرف دارد، اما برای یک گاو حداقل ۲۰ ترپال کاه در زمستان ضرورت است.»

بادغیس از ولایت‌هایی است که با آغاز سال ۱۳۹۵ خورشیدی دچار خشک‌سالی شد. باشنده‌گان این ولایت می‌گویند که از شش سال به این سو با خشک‌سالی مدهش دست‌و‌گریبان‌اند. حالا اما در دو سال پسین خشک‌سالی به حدی افزایش یافته که حتا علوفه‌های حیوانی نیز گران شده است. عزیزاحمد، باشنده بادغیس، می‌گوید که سال‌به‌سال بیشتر مردم از خشک‌سالی آسیب می‌بینند و این وضع سبب شده تا علاقه‌مندی مردم به زراعت و مال‌داری کمتر شود. به سخن او، افرادی که این شغل را پیشه کرده‌اند، ناگزیر ادامه دهند؛ زیرا فعلاً در بادغیس هیچ کار و کاسبی دیگری وجود ندارد و برای تأمین مخارج زنده‌گی مردم زراعت و مال‌داری را جبراً برگزیده‌اند. عزیزاحمد می‌افزاید: «در

همین زراعت و مال‌داری هم مزه نمانده است. دیگر هیچ کاری در منطقه ما نیست و ما مجبور همین شغل را انتخاب کنیم.» این باشنده ولایت بادغیس از کمک‌های موسسه‌ها با دولت پیشین سخن می‌گوید: «موسسات از طریق دولت سابق اول می‌آمدند سروی انجام می‌دادند و پس از آن کارت توزیع می‌کردند و چندین قلم علوفه برای مردمی که مال‌داری داشتند، توزیع می‌کردند. آن وقت خیلی خوب بود و حمایت می‌شدیم.» عزیزاحمد خاطر‌نشان می‌سازد که در دو زمستان گذشته هیچ کمکی از سوی موسسه‌ها به دام‌داران این ولایت صورت نگرفته و این طبقه کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

مال‌داری برای باشنده‌گان بادغیس به یک فرهنگ بدل شده است. در ولسوالی‌های این ولایت کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که دست‌کم ۴۰ یا ۵۰ رأس گوسفند نداشته باشد. هر چند تاکنون آمار مشخصی از شمار دام‌داران در ولایت بادغیس نشر نشده، اما براساس آمارهایی که در سال ۱۳۸۸ نشر شده است، دیده می‌شود که مال‌داران این ولایت از حدود ۲۱۹ هزار و ۳۴۹ هزار رأس گاو و همچنان یک میلیون و ۹۲۲ هزار و ۶۴۶ رأس گوسفند نگاه‌داری و مراقبت می‌کنند.

با این حال، آگاهان امور زراعتی می‌گویند که بی‌توجهی طالبان نسبت به دام‌داران در حالی که با چالش خشک‌سالی و کمبود علوفه و دیگر مواد خوراکی حیوانی روبه‌رویند، سبب کاهش سود و متضرر شدن این شغل در بادغیس خواهد شد و طالبان ناگزیرند برای جلوگیری از آن از دام‌داران پشتیبانی کنند و برنامه‌های موثری روی دست بگیرند. هدایت‌الله رحیمی (نام مستعار) استاد دانشکده زراعت دانشگاه بادغیس، می‌گوید: «طالبان چیزی به نام برنامه، حتا برای کوتاه‌مدت ندارند، وگرنه با پلان‌گذاری مناسب و با هزینه اندک به کمک نهادهای مدد‌رسان می‌شد این چالش را برطرف

پاسگاه نیروهای طالبان رخ داده است. منابع محلی در مورد دیگری خاطر‌نشان می‌سازند که دزدان مسلح در منطقه لیسه صادقی، از مربوطات شهر چاریکار، وارد یک خانه شده و حدود ۳۰۰ هزار افغانی پول نقد و زیورات اعضای این خانواده را غارت کردند. به گفته منابع، این دزدان مسلح نیز خود را نیروهای استخبارات طالبان معرفی کرده و گفته بودند که قصد بازرسی خانه را دارند.

در رویدادی دیگر، هفته گذشته دزدان مسلح در شهرک معلمین، از مربوطات شهر چاریکار، وارد یک خانه شدند و اموال آن را به تاراج بردند.

عاملان قتل‌های مرموز و دزدی‌های مسلحانه کیست؟ شماری از فعالان جامعه مدنی و باشنده‌گان محل در پروان طالبان را به ناتوانی در تامین امنیت متهم می‌کنند و می‌گویند که این ولایت بیش از هر زمان دیگری گواه افزایش جرایم جنایی، قتل و سرقت‌های مسلحانه شده است.

شعب (نام مستعار) باشنده شهر چاریکار، در صحبت با روزنامه ۸ صبح ادعا می‌کند که طالبان و افراد وابسته به این گروه در دزدی‌های مسلحانه و قتل‌های مرموز دست دارند. شعب می‌افزاید: «در این اواخر دزدی‌های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان به‌صورت کم‌پیشینه افزایش یافته است. شب خواب نداریم و روز هم با خاطر راحت گشت‌وگذار کرده نمی‌توانیم. به نظر من، در حال حاضر هیچ کسی با خود حتا یک چاقو حمل کرده نمی‌تواند، چطور دزدان جرئت می‌کنند با اسلحه وارد یک خانه شوند. معلوم‌دار است که اعضای طالبان و افراد نزدیک به این گروه دست به دزدی‌های مسلحانه می‌زنند. تا جایی که ما شاهد هستیم، هر دزد و بی‌بندوباری که در گذشته‌ها بود، حالا ریش و لنگی زده و به صف طالبان پیوسته است.» این باشنده شهر چاریکار علاوه می‌کند: «در این شکی نیست که در قتل‌های مرموز هم طالبان دست نداشته باشند. این‌گونه رویدادها، در گذشته‌ها خیلی کم بود.»

حسب‌الله، یکی دیگر از ساکنان شهر چاریکار، طالبان را به ناتوانی در تأمین امنیت باشنده‌گان این ولایت متهم می‌کند. او می‌گوید: «طالبان همیشه داد از تأمین امنیت می‌زنند، اما دروغ می‌گویند. اگر به اصطلاح طالبان تمام کشور امنیت برقرار شده، پس کی‌ها دست به این قتل‌های مرموز و دزدی‌های مسلحانه می‌زنند. حتماً خودشان دست به این اعمال می‌زنند که قادر نیستند تا دزد و افراد قاتل را تفکیک کنند؛ چون امروز هر کسی که دست به این کارها می‌زند، بدون استفاده از نام و تجهیزات طالبان هیچ کاری کرده نمی‌تواند و حتا امکان‌پذیر هم نیست.» با این حال، شماری از فعالان مدنی در پروان خواستار تأمین امنیت‌اند. محمدشفیع مشفق، فعال مدنی که در حکومت پیشین رییس بود نهادهای جامعه مدنی بود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «متأسفانه دزدی‌های مسلحانه‌ها و قتل‌های مرموز در پروان افزایش پیدا کرده است. این‌ها همه‌اش نمایانگر این است که همیشه امنیت مردم در خطر بوده و چیزی را که مردم بیشتر انتظارش را دارند، صلح، امنیت و تأمین عدالت است که متأسفانه محقق نشده است. امید است مردم به رفا برسند و عدالت تأمین شود.»

طالبان اما همواره ادعای دست داشتن افراد این گروه در دزدی‌های مسلحانه و قتل‌های مرموز را تکذیب کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان در پروان از آغاز تلاش‌ها برای شناسایی عاملان این دزدی‌ها خبر می‌دهند و می‌گویند که مجرمان به پنجه عدالت تسلیم داده خواهند شد.

گفتنی است که با تسلط طالبان بر کشور، ادعای طالبان این بود که جرایم جنایی به حد قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت، اما خلاف این ادعا، رویدادهای جنایی در برخی از ولایت‌ها به شمول پایتخت با گذشت هر روز بیشتر می‌شود. از دید جامعه‌شناسان، افزایش فقر و بیکاری از دلایل اصلی افزایش جرایم جنایی است.

افزایش بی‌رویه جمعیت و اقتصادشکننده افغانستان



اکثریت مطلق

خانواده‌های

افغانستانی

بر اساس باورهای

سنتی خود،

افزایش در تعداد

فرزندان، خصوصاً

فرزندان پسر را

نوعی از غرور تلقی

می‌کنند.

افغانستان

اکثریت مطلق خانواده‌های افغانستانی براساس باورهای سنتی خود، افزایش در تعداد فرزندان، خصوصاً فرزندان پسر را نوعی از غرور تلقی می‌کنند. آن‌ها باور دارند که در بار خدا بیکران است و او همه را روزی می‌دهد. مساله دیگر، عدم دست‌یابی به امکانات صحی برای کنترل فرزندآوری است. در برخی موارد باورهای خرافی مردم مانع استفاده از امکانات صحی برای کنترل فرزندآوری می‌شود.

افغانستان اکنون با شدیدترین چالش‌های اقتصادی دست به‌گیریان است و موج‌عظیمی از نفوس این کشور بنا بر فقر و بیکاری حاد دنبال راه‌های فرار از کشورند. عدم مدیریت جمعیت، چالش‌های اقتصادی را به‌شدت افزایش می‌دهد. هرچند در علم اقتصاد نیروی انسانی یکی از چهار عامل اصلی تولید است، اما واضح است که ازدیاد بیش از حد، موجودیت هر چیزی را کم‌ارزش می‌کند. در اکثریت موارد رابطه میان ارزش و کثرت معکوس است؛ یعنی به هر پیمان‌ه‌ای که حجم یا تعداد یک چیز افزایش یابد، ارزش آن کاهش می‌یابد. نیروی انسانی در افغانستان نیز به اندازه‌های افزایش یافته و هم در حال افزایش است که ارزش آن را به‌شدت کاسته است. در چارچوب علم اقتصاد تعادل اساسی‌ترین معیار است که برمبنای آن تمام شاخص‌های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان به توسعه رسیده و حد مطلوب به دست می‌آید. مساله افزایش جمعیت در افغانستان به‌کلی تعادل خود را از دست داده و تمام شاخص‌های اقتصاد این کشور را به چالش کشیده است. بیکاری، فقر، کسر بلانس تجارت، آلوده‌گی محیط زیست، عدم دست‌یابی به آموزش و عدم دست‌یابی به رشد

اقتصادی عمده‌ترین چالش‌هایی است که دراثر افزایش نفوس در خانواده‌های افغانستانی تشدید یافته‌است. در ذیل به چند عامل این وضعیت اشاره می‌شود:

بیکاری

اکنون عرضه و تقاضای نیروی کار در بازارهای افغانستان به‌شدت نامتعادل است. عرضه به‌مراتب بیشتر از تقاضای آن است. نرخ بیکاری در افغانستان همه‌ساله افزایش می‌یابد و ظرفیت‌های ارگان‌های موجود در مقایسه به نیروی کار خیلی اندک است. بنابراین، دیده می‌شود که دراثر افزایش جمعیت چالش بیکاری نیز افزایش می‌یابد.

فقر

بربنیاد آمارهای مختلف، افغانستان یکی از معدود کشورهایی است که بیش از ۹۰ درصد خانواده‌های ساکن در آن زیر خط فقر به سر می‌برند. اکثریت مطلق خانواده‌های پرجمعیت تمام عواید قابل تصرف‌شان را مصرف می‌کنند. بنابراین، دیده می‌شود که دراثر نبود پس‌انداز در خانواده‌ها، افزایش بیکاری و ازدیاد بیش از حد نفوس، دامنه فقر در کشور نیز گسترده‌تر می‌شود.

کسر بلانس تجارت

یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی که افغانستان طی سال‌های سال با آن دست و پنجه نرم می‌کند، کسر بلانس تجارت است. بربنیاد سال‌نامه‌های تجارت اداره ملی احصاییه، افغانستان به‌گونه اوسط طی ۱۰ سال اخیر سالانه به ارزش ۷.۸۵ میلیارد دالر واردات داشته، اما اوسط صادرات سالانه‌اش در همین مدت کمتر از یک میلیارد دالر امریکایی بوده است. بنابراین، دیده می‌شود که منابع موجود در افغانستان قادر به تهیه مایحتاج کمتر از ۲۰ درصد نفوس کشور بوده و متباقی شهروندان مواد معیشتی‌شان را از خارج تهیه می‌کنند. عامل تهیه مایحتاج شهروندان افغانستانی از خارج، کمک‌های بشردوستانه و قرضه‌های جامعه جهانی است. بنابراین، افزایش هرچه بیشتر جمعیت افغانستان کسر بلانس تجارت کشور را نیز افزایش می‌دهد و افغانستان را به‌عنوان یک کشور مصرفی نگه می‌دارد.

آلوده‌گی محیط زیست

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که تمام جهان را با تهدید جدی مواجه کرده، آلوده‌گی محیط زیست و تغییرات اقلیمی است. افغانستان نیز همه‌ساله دراثر حوادث طبیعی که ناشی از تغییرات اقلیمی و آلوده‌گی‌های زیست‌محیطی است، خسارات هنگفتی را متحمل می‌شود. طوری که واضح است، همه‌ساله حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، باران‌های بی‌وقت و غیره در جغرافیای افغانستان و اطراف آن در حال افزایش است. دراثر این حوادث خسارات مالی و جانی هنگفت بر شهروندان این کشور نیز وارد می‌شود. یکی از اساسی‌ترین عوامل آلوده‌گی محیط زیست و افزایش درجه حرارت، افزایش نفوس است. دراثر افزایش بی‌رویه نفوس در کشور، آلوده‌گی محیط زیست و

حوادث طبیعی نیز افزایش می‌یابد که در پی آلوده‌گی محیط زیست و حوادث طبیعی در کشور اقتصاد ملی نیز خسارات بزرگی را متحمل می‌شود.

عدم دست‌یابی به آموزش

براساس تحقیق علمی که در سال ۱۴۰۰ از آدرس دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل صورت گرفت، کودکان خانواده‌های کم‌جمعیت اکثراً باسواد بوده و به آموزش دسترسی داشته‌اند. در مقابل کودکان خانواده‌های پرجمعیت دراثر ضعف اقتصاد خانوارهای‌شان اکثراً به آموزش دسترسی نداشته و بی‌سوادند. خانواده‌هایی که کودکان‌شان به آموزش دسترسی ندارند، نیروی انسانی غیرمتخصص و بی‌سواد را تقدیم جامعه می‌کنند که چالش‌های اقتصادی ملی را به وجود می‌آورند.

عدم دست‌یابی به رشد اقتصادی

بنا بر تحقیق متذکره، رشد اقتصادی نیز در خانواده‌های پرجمعیت شهر کابل اکثراً منفی یا صفر بوده است. هیچ خانواده پرجمعیتی در این شهر وجود نداشته که در سال قبلی (۱۴۰۰) رشد اقتصادی مثبت را تجربه کرده باشد. اما در جمع خانواده‌های کم‌جمعیت به رغم بحران شدید اقتصادی در افغانستان، خانواده‌هایی وجود دارند که رشد اقتصادی و پس‌انداز داشته‌اند. بنابراین، به هر پیمان‌ه‌ای که جمعیت خانواده‌های افغانستانی افزایش یابد، به همان پیمان‌ه چالش‌های اقتصادی در آن‌ها مضاعف می‌شود. این خانواده‌ها که بخش بزرگی از نیروهای انسانی بیکار و مصرفی را وارد جامعه می‌سازند، نه‌تنها مشکلات اقتصادی برای خود به وجود می‌آورند، بلکه اقتصاد ملی را نیز دچار چالش می‌کنند. اما خانواده‌های کم‌جمعیت اکثراً از عاید قابل تصرف‌شان پس‌انداز دارند و در صورت داشتن پس‌انداز، به رشد اقتصادی نیز دست می‌یابند.

عوامل متعددی وجود دارد که بحران اقتصادی جاری را در افغانستان را تشدید می‌کند. در جمع آن‌ها، افزایش سرسام‌آور جمعیت در خانواده‌ها، یکی از اساسی‌ترین عوامل است که تا هنوز لاینحل مانده و حتا در حال افزایش است. ازدیاد بیش از حد نفوس در افغانستان چالش‌های بزرگ اقتصادی مانند فقر، بیکاری، کسر بلانس تجارت، آلوده‌گی محیط زیست، عدم دست‌یابی به سواد و عدم دست‌یابی به رشد اقتصادی را نیز افزایش می‌دهد. بنابراین، ضروری است که همه خانواده‌ها در این کشور برای نجات اقتصادشان و دست‌یابی به توسعه اقتصادی، زاد ولد را مدیریت کنند.

منابع:

۱. تحقیق عملی «مدیریت ازدیاد نفوس و تاثیرات اقتصادی آن در افغانستان»، تحقیق کننده‌گان: امین‌الله احمدی و حسین سخی‌زاده.

2. Numaan, Zakim, Turbulent population growth in developing countries, (2020) Islamabad.
3. Mykel, Tudaro, economic development in third world countries(1989)

نگاهی اجمالی به حقوق زنان

شهروند

شوربختانه بعد از فروپاشی نظام سیاسی جمهوریت به دست گروه کوچک، تندرو و افراط‌گرای طالب، یک بار دیگر مردم افغانستان و به‌ویژه زنان و جوانان در پرتگاه سقوط و نابودی قرار گرفته و همه امیدها و آرزوهایی که در سر داشتند، با خاک یکسان شده است.

زنان با وجود این‌که نیمی از پیکر جامعه بشری را تشکیل می‌دهند، با آن هم از آسیب‌پذیرترین اقشار جوامع به شمار می‌روند. همواره حقوق آنان زیر پا شده، در اکثر امور جامعه کاملاً نادیده گرفته شده و از حقوق اساسی‌شان محروم می‌شوند. متأسفانه گروهک‌های افراط‌گرا و تندرو مثل طالبان که قرائت‌های گوناگونی از دین و مذهب ارایه می‌کنند، عموماً آن‌ها را مورد آزاروادیت و خشونت قرار می‌دهند.

زنان در امر سیاست‌گذاری، از حقوق ویژه‌ای برخوردارند و این حق را دین مبین اسلام اعطا کرده است. در زمان پیامبر اسلام زنان در تمام امور اعم از جهاد، بیعت و هجرت با پیامبر سهم و نقش فعال داشتند. زمانی که شهر مکه توسط مسلمانان فتح شد، رسول اکرم با زنان به‌طور جداگانه بیعت کرد و بیعت ایشان را پذیرفت. این

علی بن ابی‌طالب در شهر کوفه قرآن تدریس می‌کرد و در حادثه عاشورا نقش مفید و ارزنده‌ای را ایفا کرده و مکتب سیدالشهدا را ماندگار تاریخ ساخت.

اما بدبختانه در جامعه امروزی و سنتی افغانستان که قرائت‌های گوناگون و خودساخته و پرداخته نسبت به زنان و حقوق آن‌ها از دین مبین اسلام دارند و از مجراه‌ای مختلف نیز مطرح شده است، زنان را از حقوق اساسی‌شان و به‌خصوص حق تعلیم و کار محروم می‌کنند. در حالی که دین اسلام هیچ‌گونه شغل مشروع و قانونی را برای زنان منع نکرده است.

شوربختانه بعد از فروپاشی نظام سیاسی جمهوریت به دست گروه کوچک، تندرو و افراط‌گرای طالب، یک بار دیگر مردم افغانستان و به‌ویژه زنان و جوانان در پرتگاه سقوط و نابودی قرار گرفته و همه امیدها و آرزوهایی که در سر داشتند، با خاک یکسان شده است. در مدت بیست سالی که نظام سیاسی نوین شکل گرفته بود، قشر جوانان کشور اعم از دختران و پسران موفقیت‌های زیاد و چشم‌گیری را در عرصه‌های کسب علم و دانش، ورزش، هنر، فرهنگ و حتا سیاست حاصل کرده بودند که برای مردم افغانستان حایز اهمیت و ارزش است؛ ولی با روی کارآمدن دوباره گروه افراط‌گرای طالب، یک بار دیگر به دوران جهل و نادانی و سیاه‌چاله تاریخ رجعت داده شده‌اند که بی‌نهایت اسفبار و دردآور بوده و غیرقابل تحمل است.

زنان افغانستانی مظلوم‌ترین قشر تاریخ جهان خواهند بود؛ چون در بدترین شرایط و سخت‌ترین وضعیت، در خط مقدم نبرد در مقابل گروه جهل و جنایت قرار دارند. در این راه قربانی‌های زیادی را نیز داده‌اند. کشتن‌های بی‌رحمانه، زندانی شدن و شکنجه شدن تا مسدود شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها و ممانعت از کار آن‌ها گوشه‌ای از جنایات و ظلم‌های گروه طالبان بر زنان را نشان می‌دهد. البته در این مصیبت و جنایت‌ها تنها تقصیر طالب هم نیست، بلکه قدرت‌های بزرگ دنیا که حامیان درجه یک و سینه‌چاکان حقوق بشر در جهان خود را می‌دانند، نیز در این بدبختی دخیل و شریک‌اند؛ چون آن‌ها به خاطر تأمین منافع‌شان این تروریست‌ها را به قدرت رسانیدند و میلیون‌ها دالر کمک نقدی و غیرنقدی را در اختیارشان قرار داده‌اند. ما آن‌ها را نیز در کشتن و سرکوب کردن مردم و به‌خصوص جوانان و زنان، مقصر می‌دانیم.

برای ما فرقی نمی‌کند که جنایت از طالب است یا از طرف حامیان‌شان، ولی این را بدانند که خیلی از قدرت‌های بزرگ و کوچک در این سرزمین غروب کرده و زوال یافته‌اند و جز تاریخ سیاه و ننگین چیزی دیگر از خود برجا نگذاشته‌اند. این بار تاریخ مبارزات افغانستان به نام زنان رقم خواهد خورد و این زنان آن‌ها را به انزوای تاریخ سوق خواهند داد و آینده سالم و بهتری را به ارمغان خواهند آورد.

کتابفروشان از یکسو با اعمال سانسور بی‌ضابطه طالبان مواجه‌اند و از سوی دیگر به علت مشکلات اقتصادی و روانی گسترده، مردم هم به مطالعه کتاب رغبتی نشان نمی‌دهند و از این بابت بازار کتاب بی‌رونق و بی‌رسمی است.



غربت کتاب در عصر طالبان

میرزایی

اطلاعات و فرهنگ طالبان گلایه سر داد که برخورد متفرعانه و بی‌سوادانه با ناشران و کتابفروشان دارند و رفتارهای خشن و تحقیرآمیز با آنان دارند. او گفت: «کارمندان وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان که غالباً افراد فاقد سواد و فرهنگ‌اند و از محتوای کتاب‌ها چیزی نمی‌دانند، از پشت جلد کتاب در مورد کتاب‌ها قضاوت می‌کنند و دستور به جمع‌آوری بعضی از «کتاب‌های نامطلوب» می‌دهند.» سانسورچی‌های طالبان، بدون آن‌که خودشان را زحمت دهند، چاپ و فروش کتاب‌هایی را که کلمه «داعش» در عنوانش باشد، ممنوع ساخته‌اند. همچنین وزارت فرهنگ طالبان، دستوری موكد صادر کرده، کتاب‌هایی که از ادیان زنده جهان سخن می‌زند، قطع نظر از این‌که در تمجید آن‌ها باشد یا نقد و تحلیل آن‌ها، از قفسه‌های کتابفروشی‌ها برداشته شود. طالبان بر کتاب‌های فکری و فلسفی هم محدودیت اعمال می‌کنند و از جمله مالیات بر این کتاب‌ها را چند برابر ساخته، ولی در عوض، بالای «کتاب‌های اسلامی» مالیات کمتری وضع کرده‌اند.

این ناشر درباره این هم حرف زد که طالبان به آسانی برای کتاب‌هایی که تازه چاپ می‌شود، جواز صادر نمی‌کنند و بسیار با خشونت و بدوی‌گری با درخواست‌کننده‌گان جواز برخورد می‌کنند. کارمندان وزارت فرهنگ طالبان بدون آن‌که خودشان را زحمت دهند و از محتوای کتابی که قرار است چاپ شود آگاهی یابند و شاید سواد آن را هم نداشته باشند، از ناشر کتاب تعهد کتبی می‌گیرند که اگر کتاب متضمن چیزی خلاف نظر طالبان بود، ناشر خود را مستحق مجازات از سوی طالبان بدانند.

یکی از دوستان که چند باری به کتابفروشی‌های شهر کابل برای خریدن کتاب سر زده، می‌گفت که اکثر کتابفروشان از کتاب‌های مهم و مفید را به شکل مخفی برای کسانی که بالای آن‌ها اعتماد می‌کنند، می‌فروشند و از گذاشتن آن‌ها در قفسه‌های کتابفروشی‌ها می‌ترسند. او می‌گفت که کتابفروش‌ها با ترس و لرز فعالیت می‌کنند. بعضی کتابفروش‌ها ناگزیر شده‌اند کتاب‌ها را به خانه‌هایشان انتقال دهند و گدام کنند تا اگر کسانی ضرورت داشتند، بتوانند از

راجع به اهمیت کتاب در مبارزه با فراموشی و صیانت از فرهنگ اصیل و رهایی‌بخش، می‌توان بسیار نوشت. کتاب در درازنای تاریخ توانسته اقتدار و هیمنه زمام‌داران تمدن‌ستیز و مهاجمان غارت‌گر را به چالش بکشد. بی‌جهت نیست که در مقاطعی از تاریخ که با جنگ و خشونت و تباهی همراه بوده، کتاب‌سوزی رایج بوده است. آنانی که در تاریخ سراغ کتاب‌ها رفته‌اند تا آن‌ها را نابود کنند، این را درک می‌کرده‌اند که برای چیره‌گی بر مردم، باید در نخست حافظه جمعی آنان را دست‌کاری کرد تا زمینه برای تغییر در هویت‌شان فراهم شود. اکنون که طالبان بار دیگر به قدرت بازگشته‌اند و می‌خواهند جامعه افغانستان را به میل خود مهندسی کنند، خیال دارند صورت دیگری از کتاب‌سوزی را راه بیندازند.

همیشه وقتی از طالبان نام گرفته می‌شود، غربت و ویرانی فرهنگ در ذهن تداعی می‌شود. در مورد دوران اول سلطه طالبان زیاد سخن گفته شده و کم‌وبیش اطلاعاتی از آن دوره در اختیار ما قرار دارد، اما اکنون نیز حوادث به همان منوال گذشته پیش می‌رود و چیزی تغییر نکرده است. طالبان مثل گذشته بر کتاب‌ها سانسور اعمال می‌کنند و می‌خواهند فرهنگ را به میل خود بازتعریف کنند. آن‌ها می‌کوشند کتاب‌هایی را ترویج کنند که ایدئولوژی آن‌ها را تقویت کند و قهر و غلبه آنان را مشروعیت دهد. طالبان در قدم اول جد و جهد به خرج می‌دهند تا عرصه فرهنگ را در اختیار خود بگیرند.

چند روز پیش، با یکی از ناشران و کتابفروشان در افغانستان صحبت می‌کردم. صحبت ما به درازا کشید. او جزئیات فراوانی در مورد وضع چاپ و نشر کتاب در کشور با من در میان گذاشت. از کساد بازار چاپ و فروش کتاب شکایت کرد. از فقر جانکاه اقتصادی مردم گفت که سبب شده کسی به کتاب و کتابخوانی علاقه نشان ندهد. وقتی از او در مورد این‌که آیا طالبان بر فعالیت‌های ناشران و کتابفروشان اعمال محدودیت می‌کنند پرسیدم، آهی از نهادش برآمد و داستان‌های غم‌انگیزی تعریف کرد. او از دست کارمندان وزارت

رئیس جدیدی تعیین کردند. من در کابل بودم، ولی به کتابخانه نمی‌رفتم. نظامیان طالبان هر روز برای بازخواست از من به خانه من می‌آمدند که در نزدیکی کتابخانه است. یک روز با موتر آمدند و من را به حوزه اول امنیتی بردند. آن‌جا من گفتم که همه مردم می‌دانند که من از پنجشیر و چه کاره هستم. تمام عمر من در کتابخانه عامه صرف شده است. از مسوولین طالبان، شخصی بود با ریش دراز که هم‌قطاران او را «ملا مومن» خطاب می‌کردند. حالا خدا می‌داند که چه قدر مومن بود. او برخورد خوبی با من داشت و گفت که بعضی‌ها به ضرر شما راپور می‌دهند که شما در خانه‌تان اسلحه دارید و نیروهای ما به همین اساس به سراغ شما می‌آیند. بعد هم شماره تلفن خود را به من داد و گفت که هرگاه از طرف طالبان، کسی به خانه‌تان آمد، برای من تلفن بزن تا مانع آن‌ها شوم. در ادامه هم گفت: خوب شد که تا حالا در چنگ طالبان هلمندی نیفتاده‌ای. آن‌ها آدم‌های بسیار بدی هستند.»

حیدری وجودی در جواب به این سوال که آیا طالبان آسیبی به کتابخانه عامه نرساندند، گفته بود: «طالبان گروه‌های متفاوتی بودند. آن‌ها هر کدام مطابق سلیقه‌شان، آب را گل‌آلود می‌کردند تا ماهی مرادشان را بگیرند. گروهی از آن‌ها دلال بودند و به پاکستان می‌رفتند؛ سفارش کلکسیون‌های نشریات و کتاب‌های تاریخی کتابخانه عامه را می‌گرفتند و این نحو غارت می‌کردند. کلکسیون روزنامه «وطن» از دفتر کارم توسط طالبان سرقت شد. روزنامه «وطن» با صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی غلام‌محمد غبار، مورخ نام‌دار کشور، در سال ۱۳۲۹ منتشر می‌شد. مثل آن، کلکسیون‌های بسیاری در زمان طالبان از آرشیف کتابخانه عامه کابل توسط طالبان سرقت شد و به پاکستان انتقال داده شدند.» (ماهنامه کتاب‌نامه، سال اول، شماره اول، سرطان ۱۳۹۹)

این گفته‌های حیدری وجودی را نقل کردم تا فرصتی برای مقایسه میان حاکمیت دوم طالبان با حاکمیت اول این گروه فراهم شود و مشخص شود که آیا برخورد طالبان با کتاب و فرهنگ تغییر کرده یا خیر. شاید در آینده اگر فضای باز مهیا شود، افرادی پیدا شوند که با تفصل بیشتر در مورد کارهایی که طالبان در حق کتاب و مطبوعات انجام داده‌اند، حرف بزنند. عملکرد طالبان بیانگر آن است که این گروه به‌عنوان دولت مشروع و مسوول عمل نمی‌کند و به سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی افغانستان اهمیت خاصی قابل نیست. این امر با توجه به ویرانی‌های فرهنگی‌ای که در گذشته به بار آورده‌اند شگفتی‌آور نیست.

خانه برای‌شان کتاب بیاورند.

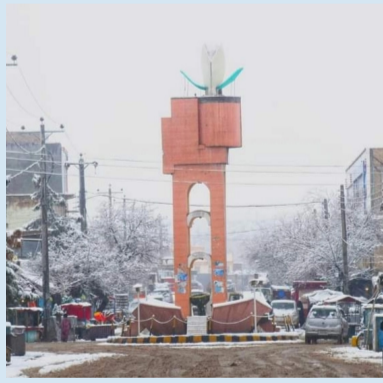
کتابفروشان از یکسو با اعمال سانسور بی‌ضابطه طالبان مواجه‌اند و از سوی دیگر به علت مشکلات اقتصادی و روانی گسترده، مردم هم به مطالعه کتاب رغبتی نشان نمی‌دهند و از این بابت بازار کتاب بی‌رونق و بی‌رسمی است. این است که بعضی ناشران و کتابفروشان ناگزیر شده‌اند دروازه انتشارات‌ها و کتابفروشی‌های‌شان را ببندند.

به گزارش منابع آگاه، بعضی از اعضای طالبان در قاچاق آثار خطی به خارج از کشور دست دارند. بیشتر افراد طالبان را کسانی تشکیل می‌دهند که از کوه‌ها و مغاره‌ها به شهرها سرازیر شده‌اند. بنابراین، نه شناختی از کتاب دارند و نه از اهمیت آرشیف و حافظه تاریخی آگاه‌اند. برای آن‌ها آن‌چه ارزش دارد، پولی است که به دست می‌آورند. فرقی نمی‌کند که این پول را از راه قاچاق مواد مخدر به دست آورند یا فروش سلاح یا قاچاق نسخه‌های کهن خطی. در میزان امسال گزارشی نشر شد در مورد این‌که ۱۲ نسخه نایاب خطی قرآن از آرشیف ملی افغانستان به سرقت رفته و به اروپا رسیده است. قطعاً این گزارش تنها نوک کوه یخ را نشان می‌دهد و آن‌چه تا هنوز افشا نشده خیلی بیشتر از این است.

باری مصاحبه‌ای از حیدری وجودی، که سال‌ها مسوول بخش آرشیف کتابخانه عامه افغانستان بود، خوانده بودم که به‌عنوان شاهد عینی، شمه‌ای از وضع کتاب و فرهنگ در دوران حاکمیت اول طالبان را بیان کرده بود. او گفته بود: «طالبان برای کتابخانه عامه

انتشار بوی مواد نفتی در فاریاب؛ ۲ تن جان باختند و ۲۵ تن دیگر مسموم شدند

مشکلات تنفسی روبه‌رو کرده است. داکتران در ولسوالی‌های چهل‌گری و قیصار نیز می‌گویند که از سه روز به این‌سو نزدیک به ۷۰ تن که بیشترشان کهن‌سال هستند به دلیل داشتن نفس‌تنگی به مراکز صحتی مراجعه کرده‌اند. به گفته آنان، افزون بر جان باختن ۲ مرد کهن‌سال در پی بیماری نفس‌تنگی در ولسوالی‌های چهل‌گری و قیصار، ۲۵ تن دیگر به‌شمول ۱۲ زن و ۵ کودک مسموم شده‌اند. وضعیت صحتی ۱۷ تن از مسموم‌شده‌گان وخیم گزارش شده است. اما حمیدالله بت‌شکن، سخنگوی قوماندانی امنیه طالبان در فاریاب، گفته که انتشار بوی مواد نفتی قابل نگرانی نیست و هیأتی برای بررسی وضعیت به ساحه فرستاده شده است. با این حال، گفته می‌شود که انتشار بوی مواد نفتی ناشی از نشت یک چاه نفت در روستای اسپلان ولسوالی چهل‌گری ولایت فاریاب است. تلفات ناشی از بوی بد که گفته می‌شود به دلیل نشت چاه نفت بوده، در این ولایت بی‌پیشینه است.



۸صبح، فاریاب: باشنده‌گان فاریاب می‌گویند که انتشار بوی مواد نفتی سبب مرگ ۲ تن و مسموم شدن ۲۵ تن دیگر شده است. شماری از باشنده‌گان ساحه چهل‌گری که به تازه‌گی از سوی طالبان به ولسوالی ارتقا داده شده است، روز یک‌شنبه، ۲ دلو، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که انتشار بوی مواد نفتی در این ولسوالی مردم را با

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محقق
سرمدبیر: حسیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین



Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، در اثر فروریختن یک ساختمان مسکونی در شهر حلب سوریه، ۱۳ تن کشته شده‌اند. خبرگزاری رویترز به نقل از رسانه‌های دولتی سوریه گزارش داده که این ساختمان روز یکشنبه، ۲۲ جنوری، فروریخته است و نیروهای امداد در جست‌وجوی افرادی‌اند که گمان می‌رود هنوز زیر آوار هستند. مقام‌های دولتی سوریه گفته‌اند که ساختمان پنج طبقه‌ای در منطقه شیخ مقصود، دومین شهر بزرگ سوریه، به دلیل نشت آب که باعث ضعیف شدن پایه‌های آن شد، فرو ریخته است. گفتنی است که شمار زیادی از ساختمان‌ها در شهرهای سوریه به دلیل درگیری‌ها و بمباران‌های چندساله در این کشور آسیب دیده‌اند.

اردوغان:

انتخابات ترکیه یک ماه زودتر برگزار می‌شود



رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، گفته است که انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی را در ۱۴ می سال جاری، یک ماه زودتر از موعد مقرر، برگزار می‌کند. دفتر رئیس‌جمهور ترکیه روز یکشنبه، ۲۲ جنوری، تصاویر ویدیویی را از دیدار اردوغان با رای‌دهنده‌گان جوان در ولایت بورسا، در شمال غربی این کشور، منتشر کرده است. اردوغان به این گروه گفته است: «خدا را شکر می‌کنم در انتخاباتی که در ۱۴ می برگزار می‌شود، دوشادوش شما، جوانانی که برای اولین بار رأی می‌دهند، قدم می‌زنیم.» نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که انتخابات پارلمانی و

ریاست‌جمهوری فشرده برگزار خواهد شد و بزرگ‌ترین آزمون برای رهبری اردوغان خواهد بود. او طی دو دهه اخیر زمام قدرت ترکیه به‌عنوان یک قدرت نظامی منطقه، عضو ناتو و اقتصاد بزرگ بازار نوظهور را برعهده دارد. انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی ترکیه قرار بود در ۱۸ جون برگزار شود، اما اردوغان اعلام کرده بود که می‌تواند این تاریخ را تغییر دهد. یکی از اعضای ارشد حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان پیشتر گفته بود که انتخابات در جون مصادف با فصل تعطیلات تابستانی است که مردم در حال سفر هستند.

در نتیجه تیراندازی در ایالت کالیفرنیا امریکا نه تن کشته شدند



مقامات دولتی در شهر مونتری پارک ایالت کالیفرنیا امریکا گفته‌اند که در نتیجه تیراندازی در این شهر نه تن کشته شده‌اند. براساس گزارش‌ها، این تیراندازی خوالی ساعت ۱۰ شنبه‌شب، ۲۲ جنوری، رخ داده است. اداره پولیس شهر مونتری پارک با نشر بیانیه‌ای گفته است: «مسئولان اداره پولیس شهر مونتری پارک در تحقیقات مربوط به کشته شدن نه تن، با اداره پولیس این شهر همکاری می‌کنند.» اداره پولیس گفته است که مظنون مرد است، اما مشخص نکرده که آیا او از صحنه فرار کرده است یا خیر.

وزیران خارجه امریکا و قطر در مورد افغانستان گفت‌وگو کردند

۸صبح، کابل: آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، می‌گوید که با همتای قطری‌اش در مورد افغانستان گفت‌وگوی تلفنی کرده است. وزیر امور خارجه امریکا روز یکشنبه، ۲ دلو، در توییتی گفته که در تماس تلفنی با شیخ محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر، از کمک‌های این کشور به امریکا به‌خاطر حمایت از مردم افغانستان سپاس‌گزاری کرده است. وزارت امور خارجه قطر نیز در توییتی گفته که دو طرف در کنار صحبت روی روابط دوجانبه در پیوند به

کرونا در چین؛

بیش از ۱۳ هزار تن در یک هفته جان باخته‌اند

واقعی نیست و شمار قربانیان بیشتر از رقم اعلام‌شده است.



براساس اعلام مقام‌های صحتی چین، حدود ۱۳ هزار بیمار مبتلا به بیماری همه‌گیر کرونا، در جریان یک هفته گذشته، در این کشور جان باخته‌اند.

یک مسوول ارشد بخش صحت در چین روز یکشنبه، ۲۲ جنوری، گفته است که در روزهای ۱۳ تا ۱۹ جنوری، حدود ۱۳ هزار تن در اثر ابتلا به کرونا در بیمارستان‌ها جان‌هایشان را از دست داده‌اند.

مرکز کنترل و پیش‌گیری از بیماری‌ها در چین با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که طی مدت یادشده ۶۸۱ تن به‌دلیل نارسایی تنفسی ناشی از کرونا و نزدیک به ۱۲ هزار تن دیگر نیز به‌دلیل همراهی ویروس کرونا با دیگر بیماری‌های زمینهای، در بیمارستان‌ها جان باخته‌اند.

این داده‌های آماری آن‌گونه که خبرگزاری فرانس پرس گزارش داده است، شامل آن عده از بیماران احتمالی مبتلا به کرونا که در منازلشان جان باخته‌اند، نمی‌شود. بسیاری از کارشناسان صحتی معتقدند که آمار قربانیان با توجه به کاهش کنترل‌ها و محدودیت‌های بهداشتی،

سارا السید به‌عنوان معاون وزیر خارجه عربستان در امور دیپلماسی تعیین شد

شاهزاده فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان، سارا بنت عبدالرحمن السید را به‌عنوان معاون وزیر امور خارجه در امور دیپلماسی عمومی منصوب کرد. وزارت خارجه عربستان سعودی، روز یکشنبه، ۲۲ جنوری، در اعلامیه‌ای ضمن اعلام این خبر، گفته است که در حال حاضر سفیر این کشور در ناروی، سویدن، فنلند، امریکا و اتحادیه اروپا نیز زنان هستند. سارا در رشته مدیریت سیستم‌های سلامت در امریکا تحصیل کرده و در سمت‌های مختلف در عربستان سعودی از جمله معاون وزارت صحت این کشور وظیفه اجرا کرده است. عربستان سعودی که در گذشته سیاست سختی در قبال زنان داشت، از چند سال به این‌سو، زمینه‌ها و عرصه‌های بیشتری را برای حضور و فعالیت زنان باز گذاشته است.



پارلمان ایران در صدد درج عناصر ارتش کشورهای اروپایی در فهرست گروه‌های تروریستی است

پارلمان اروپا اواخر هفته گذشته با تصویب قطعنامه‌ای سپاه پاسداران ایران را گروه تروریستی اعلام کرد.



به دنبال تصویب قطعنامه پارلمان اروپا مبنی بر تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران، پارلمان ایران نیز تصمیم گرفته تا واکنش بالمثل به این اقدام داشته باشد.

حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران، چاشت روز یکشنبه، ۲۲ جنوری، در توییتی از برگزاری نشست غیرعلنی مجلس نماینده‌گان این کشور با حضور او و حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، خبر داده است.

عبداللہیان گفته که مجلس نماینده‌گان ایران در واکنش مشابه در صدد قرار دادن عناصر ارتش اروپا در لیست تروریستی است.

وزیر امور خارجه ایران همچنان گفته است که اعضای مجلس نماینده‌گان این کشور از تلاش‌های سپاه پاسداران برای حفظ امنیت ملی تمجید کرده‌اند.